

اثر بخشی سرمایه گذاری بخش خصوصی در رشد اقتصادی ایران

دکتر ابراهیم گرجی* علی یوسفیان**

چکیده

در دهه های اخیر، مسایل و مشکلات مبتلا به اقتصاد کشورهای در حال توسعه که اساسی ترین آنها را می توان کاهش نرخ رشد دانست، منجر به توجه و ارزیابی مجدد استراتژیهای توسعه گردید. به ویژه، کاهش دخالت های دولت جهت عملکرد آسانتر بازار به منظور بهبود تخصیص منابع، در مرکز توجهات قرار گرفت. به رغم برتری نظری نظام بازار نسبت به نظام کنترل دولتی در توزیع منابع، نقطه نظرات تجربی اینگونه مباحث کمتر مورد ارزیابی قرار گرفت.

این مقاله سعی دارد تا خلاصه حاصل از این کاستی را تا اندازه ای جبران نماید. به همین منظور، این مبحث با بررسی یک الگوی رشد نوکلاسیکی آغاز می گردد که سعی در تفکیک اثرات سرمایه گذاری بخش خصوصی و دولتی دارد. در مرحله بعد، برخی کارهای تجربی و نظری انجام شده در این رابطه به همراه ارتباط سرمایه گذاری بخش خصوصی با برخی شرایط، مورد تحلیل و بررسی قرار خواهد گرفت. در قسمت بعدی مقاله، برخی کارهای تجربی مربوط به کشور ایران مطرح می گردد و سپس با استفاده از نتایج تجربی، پیشنهادات و نتیجه گیری ارائه خواهد شد.

* عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران

** پژوهشگر مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

مقدمه

بخش خصوصی و فعالیت‌های اقتصادی آن، موضوعی است که در چند دهه اخیر در محور مباحث اقتصادی کشورهای در حال توسعه قرار گرفته است. در این رابطه تأثیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی بر رشد اقتصادی، یکی از مهمترین جنبه‌های مورد توجه محققین بوده است. این جنبه بویژه با توجه به آزادسازی و واگذاری فعالیتهای دولتی به خصوصی و تکیه بر عملکرد بازار، اهمیت بیشتری یافت. با این وجود، کمتر به مطالعات تجربی مناسب که بتواند جنبه‌های عملکرد بخش خصوصی را نشان دهد، پرداخته شده است.

۱. مشخصات الگوی پایه

اکثر الگوهای رشد مورد استفاده در کشورهای در حال توسعه، در چارچوب الگوی رشد نئوکلاسیکی سولو (۱۹۶۵) می‌باشند. در این الگو، تابع تولید، محصول کل را به عوامل داده‌های تولید و متغیری که معمولاً از آن به عنوان بهره‌وری عوامل نام برده می‌شود، مرتبط می‌نماید که به صورت زیر می‌باشد:

$$Y = AF(K, L, Z) \quad (1)$$

Y عبارت از محصول کل، K حجم سرمایه فیزیکی، L نیروی کار، Z بردار سایر عوامل است که بر رشد تأثیر می‌گذارند و A نیز متغیر کارایی عوامل است. می‌توان با تقسیم سرمایه فیزیکی به دو بخش خصوصی و دولتی و بسط تفاضلی آن با توجه به برخی فروض، به معادله زیر رسید:

$$\frac{dY}{Y} = B_0 + B_1 \frac{dP}{Y} + B_2 \frac{dI}{Y} + B_3 \frac{dL}{L} + B_4 \frac{dZ}{Z} \quad (2)$$

حال اگر در این الگو $B_1 > B_2$ باشد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که بهره‌وری سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نسبت به بهره‌وری سرمایه‌گذاری بخش دولتی بیشتر می‌باشد. Z نیز

می تواند متغیرهای جایگزینی مانند M حجم واردات و یا X حجم صادرات را به خود اختصاص می دهد.

۲. ادبیات مطرح شده در زمینه اثرات خصوصی سازی بر رشد اقتصادی

اولین بررسی در مورد معادله (۲) توسط خان و رینهارت^۱ در سال ۱۹۹۰ صورت گرفت. الگوی تحقیقی آنها به شکل زیر می باشد:

$$\frac{dY}{Y(-1)} = B_0 + B_1 \frac{IP}{Y(-1)} + B_2 \frac{I_g}{Y(-1)} + B_3 \frac{L}{L(-1)} + B_4 \frac{dZ}{Z(-1)} \quad (۳)$$

آنها با استفاده از آمارهای دهه ۱۹۷۰ برای ۲۴ کشور در حال توسعه این الگو را تخمین زدند و به این نتیجه رسیدند که بهره وری نهایی سرمایه گذاری بخش دولتی و خصوصی در کشورهای در حال توسعه، متفاوت می باشد و نیز در رابطه با رشد، بخش خصوصی نقش بیشتری را نسبت به بخش دولتی ایفا می کند که این خود به دلیل بالاتر بودن بهره وری سرمایه گذاری بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی، می باشد.

مقاله دیگری که در این زمینه ارائه گردیده است، مقاله خواجا سارمد^۲ (۱۹۹۱) می باشد. آنها کار خان و رینهارت را برای دهه ۱۹۸۰ و برای ۲۴ کشور مورد بررسی مجدد قرار دادند ولی برخلاف کار قبلی، نتیجه آنها نشان دهنده بزرگ بودن بهره وری سرمایه گذاری بخش دولتی بود که حتی در برخی مواقع از بهره وری سرمایه گذاری بخش خصوصی هم فراتر می رفت.

آنها دلیل این امر را در امکان دسترسی آسان کشورهای در حال توسعه به منابع خارجی طی دهه مذکور، دانسته اند که باعث استفاده ناکارای آنها توسط این بخش (دولتی) شده است و در ادامه، نتیجه می گیرند که کشورهای دارای نرخ رشدهای سریع اقتصادی که می توانند به منابع خارجی دسترسی بیشتر و آسانتری داشته باشند، قادر به انجام سطح بالاتری از سرمایه گذاری

1. Khan. M.S & Reinhart c.m, "Private Investment & Economic Growth in Developing Countries", World Development, 18, No.1, P. p19-24 (1990)

2. Khwaja Sarmad (1997)

زیربنایی در کشور خواهند بود.

موضوع اصلی که در این مقاله به آن توجه شده است، ارتباط سرمایه گذاری بخش خصوصی با سرمایه گذاری دولتی به ویژه در سطوح زیربنایی و زیرساختاری کشور است.

۳. اثرات سرمایه گذاری بخش دولتی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی

بسیاری بر این ادعا می‌باشند که سرمایه گذاری بخش خصوصی بدون سرمایه گذاری بخش دولتی و بسیاری از عوامل دیگر، قابل افزایش نمی‌باشد. در این قسمت برخی الگوها و نظرات مربوط به این بحث مورد تحلیل قرار می‌گیرد:

$$IP = b_0 + b_1 \Delta GDP + b_2 \Delta CRD + b_3 IG \quad (۴)$$

$$IP = b_0 + b_1 \Delta GDP + b_2 \Delta CRD + b_4 GINF (-2) + b_5 GINON \quad (۵)$$

IP عبارت از سرمایه گذاری بخش خصوصی، GDP محصول ناخالص داخلی، CRD اعتبارات بخش خصوصی، IG سرمایه گذاری بخش دولتی، GINF(-2) سرمایه گذاری زیربنایی دولتی با ۲ سال وقفه و GINON سرمایه گذاری غیرزیربنایی دولت می‌باشد.

خالد زاگر (۱۹۹۳) با بررسی اثر جایگزینی منفی^۳ و با استفاده از معادلات (۴) و (۵)، کار خود را انجام داد. او این دو معادله را برای سالهای ۱۹۹۲-۱۹۷۴ در مورد کشور پاکستان تخمین زد. نتیجه بررسی او حاکی از مثبت بودن ضرایب محصول ناخالص داخلی، تسهیلات بانکی و ضریب سرمایه گذاری زیربنایی دولتی بود. ضریب سرمایه گذاری غیرزیربنایی در معادله (۵) منفی بوده و از لحاظ آماری هم بی‌معنی است. ضریب سرمایه گذاری دولتی نیز در معادله (۴) به دلیل کمبود سرمایه گذاری زیربنایی در پاکستان، مثبت بود.

در این رابطه می‌توان توجه داشت که سرمایه گذاری بخش دولتی شامل اثرات جاننشینی خارجی و داخلی^۴ می‌باشد که اثر جاننشینی داخلی و فزاینده آن بیشتر است. نتیجه حاکی از مثبت بودن اثر تسهیلات بانکی و سرمایه گذاری زیربنایی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی و

3. Crowding Out

4. Crowding In

بی معنی بودن اثر سرمایه گذاری غیر زیربنایی بر آن است.

الگوی دیگر مربوط به ارنبورگ^۵ می باشد. وی با استفاده از الگوی انتظارات عقلایی موضوع سرمایه گذاری خصوصی و ارتباط آن با بخش دولتی را اینگونه تحلیل نمود:

$$PSI_t = a_0 + a_1 PSI_{t-1} + A(L) GSL_{t-i} + C(L) GD_{t-i} \quad (6)$$

$$GSI_t = b_0 + B(L) GSI_{t-i} + D(L) GD_{t-i} \quad (7)$$

PSI عبارت از سرمایه گذاری بخش خصوصی، GSI سرمایه گذاری بخش دولتی و GD کسر بودجه است. نتایج کار او رابطه ای مثبت میان سرمایه گذاری عمومی (دولتی) و خصوصی را نشان می دهد و این که کسری بودجه اثر منفی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی دارد.

نعمت شفیق (۱۹۹۲) با استفاده از الگوی سرمایه گذاری نئوکلاسیکی و کمک گرفتن از توابع تولیدی با بازدهی ثابت، مقدار سرمایه گذاری بخش خصوصی را تخمین زد. شفیق با الگوی پویای تصحیح خطا (ECM) سرمایه گذاری خصوصی را مورد بررسی قرار داده است. الگوی وی به شکل زیر است:

$$\Delta I_t = a + B(L)\Delta Y_t + C(L)\Delta C_t + D[C_{t-1} - \lambda_1 Y_{t-1} - \lambda_2 C_{t-1}] \quad (8)$$

عبارت از سرمایه گذاری بخش خصوصی، C هزینه سرمایه و Y مقدار تولید می باشد. او این الگو را در اقتصاد مصر برای سالهای ۸۶-۱۹۶۰ بکار برد. نتیجه ای که وی می گیرد عبارت از اثر گذاری بالای تقاضا بر تشکیل سرمایه می باشد. همچنین، وی اثر مثبت سرمایه گذاری دولتی در امور زیربنایی و گسترش اعتبارات بانکی و کاهش هزینه های سرمایه گذاری را بر بالاتر بردن سطح سرمایه گذاری بخش خصوصی نشان می دهد.

۴. اثرات خصوصی سازی بر رشد اقتصادی ایران

این الگو به بررسی مقایسه ای بهره وری نهایی سرمایه گذاری بخش خصوصی و بخش دولتی می پردازد.

همانطور که در بحث قبل گفته شد، الگوی مطرح شده به شرح زیر است.

$$\frac{\Delta NIF}{NIF(-1)} = B_0 + B_1 \frac{IPR}{NIF(-1)} + B_2 \frac{IGR}{NIF(-2)} + B_3 \frac{\Delta L}{L(-1)} + B_4 \frac{\Delta Z}{Z(-1)} \quad (9)$$

NIF عبارت از درآمد ملی، IPR سرمایه‌گذاری خصوصی، IGR سرمایه‌گذاری دولتی، Z متغیر وضعیت و L نیروی اشتغال است. متغیر Z همانطور که گفته شد می‌تواند صادرات (X)، واردات (M) و یا متغیر کیفی دیگری مانند سطح تحصیلات باشد (از آنجا که امکان کمی کردن متغیرهای کیفی در ایران به دلیل کمبود اطلاعات مشکل است، از آن استفاده نشده است).

مطابق نظریه طرفداران رشد متکی بر بازار، افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی سبب افزایش تولید و درآمد ملی می‌شود ولی در کشورهای در حال توسعه که بازارهای سرمایه‌کاملی ندارند این سرمایه‌گذاریها عمدتاً به دو بخش دولتی و خصوصی تقسیم می‌شوند که در اینجا سعی بر آن است تا اثرات مستقل هر یک بر درآمد ملی و رشد بررسی گردد. با برخی تغییرات می‌توان به الگوی (۱۰) رسید.

در سمت چپ مدل (۱۰)، رشد درآمد ملی (GY) و در سمت راست به ترتیب نسبت سرمایه‌گذاری خصوصی به درآمد ملی (GIP)، نسبت سرمایه‌گذاری دولتی به درآمد ملی (GIG)، رشد اشتغال (GL) و رشد متغیر وضعیت (GZ) قرار دارند:

$$GY = B_0 + B_1 GIP + B_2 GIG + B_3 GL + B_4 GZ \quad (10)$$

$$(GZ = GX = \frac{\Delta X}{X(-1)}, GL = \frac{\Delta L}{L(-1)}, GIG = \frac{IGR}{NIF(-1)}, GIP = \frac{IPR}{NIF(-1)}, GY = \frac{NIF}{NIF(-1)})$$

طبق انتظارات تئوریک طرفداران اصلاحات بر اساس مکانیزم بازار، انتظار می‌رود که اثر سرمایه‌گذاری نهایی در بخش خصوصی بیش از میزان نهایی آن در بخش دولتی باشد یعنی باید $B_1 > B_2$ باشد (شایان ذکر است که متغیر وضعیت، صادرات فرض شده البته می‌توان از واردات و یا همانطور که گفته شد متغیرهای دیگری مانند متغیرهای کیفی را نیز جایگزین متغیر وضعیت نمود).

مدل تخمینی ایران برای سالهای ۷۵-۱۳۳۸ به شکل زیر به دست می‌آید:

$$GY = 0/37 + 2/38 GIP + 0/25 GIG + 4/42 GL + 0/101 GX \quad (11)$$

$$(3/67)(2/98) \quad (0/547) \quad (2/19) \quad (1/86)$$

$$F = 6/49 \quad R^2 = 0/448 \quad DW = 1/67$$

$$P(F) = 0/0006 \quad \bar{R}^2 = 0/379$$

که با بررسی نمودی به شکل فزاینده، توضیح دهی متغیرهای فوق به شرح زیر است:

$$GIP > GL > GX > GIG$$

حال برای آزمون بهره‌وری نهایی سرمایه گذاری خصوصی و دولتی که مطابق انتظارات

تئوریکی مدل باید $B_1 > B_2$ باشد، خواهیم داشت:

$$H_0 : B_2 > B_1$$

$$H_a : B_2 > B_1$$

$$t = \frac{B_2 - B_1}{S(B_1 - B_2)} = \frac{-(B_1 - B_2)}{\sqrt{\text{Var}(B_1) + \text{Var}(B_2) - 2 \text{COV}(B_1, B_2)}}$$

$$t = \frac{-(2/38 - 0/25)}{0/66} = -3/22$$

مطابق با آماره t می‌توان گفت که فرضیه H_0 رد شده و فرضیه H_a پذیرفت می‌شود. به عبارتی، در این شکل از مدل توانستیم نشان دهیم که بهره‌وری نهایی بک واحد سرمایه گذاری بخش خصوصی بیش از بخش دولتی است و تضمین نظر طرفداران اصلاحات بر اساس مکانیزم بازار را حمایت می‌کند.

همچنین، باید گفت که طبق این تخمین، در ایران به ازای هر واحد افزایش در سرمایه گذاری خصوصی با فرض ثبات سایر شرایط، به طور متوسط معادل $2/38$ واحد رشد در آمد ملی افزایش می‌یابد. در حالیکه همین رقم برای سرمایه گذاری دولتی بی معنی بوده و معادل $0/25$ واحد می‌باشد.

۵. ثمرات سرمایه گذاری بخش دولتی بر سرمایه گذاری بخش خصوصی

در این قسمت، سعی بر این است که اثرات متقابل بخش اقتصادی دولتی و خصوصی ایران

نشان داده شود. بسیاری بر این باورند که سرمایه گذاری خصوصی بدون سرمایه گذاری دولتی و بسیاری از عوامل دیگر، قابل افزایش نمی باشد و بر همین اساس، سرمایه گذاری های دولتی را تشویق می نمایند و آن را برای پیشبرد اقتصاد لازم و ضروری می دانند.
در مدل زیر سعی می شود تا همین مسأله مورد بررسی قرار گیرد.

$$IP = b_0 + b_1 \Delta GDP + b_2 \Delta CRD + b_3 IG \quad (12)$$

$$IP = b_0 + b_1 \Delta GDF + b_2 \Delta CRPD + b_4 GINF (-2) + b_5 GINON \quad (13)$$

IP عبارت از سرمایه گذاری بخش خصوصی، GDP محصول ناخالص داخلی، CRD حجم اعتبارات اعطایی و بخش خصوصی، IG سرمایه گذاری دولتی، GINF(-2) سرمایه گذاری زیربنایی دولتی با ۲ سال وقفه و GINON سرمایه گذاری غیرزیربنایی دولت است.
به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات کافی در مورد اعتبارات اعطایی و نیز تفکیک سرمایه گذاری های زیربنایی و غیرزیربنایی در ایران، مجبور هستیم مدل اول (۱۲) را با حذف اعتبارات از مدل، جهت روشن شدن اثر کلی سرمایه گذاری دولتی بر بخش خصوصی مورد استفاده قرار دهیم و از آنجا که روند تغییرات درآمد ملی هم در مقایسه با محصول ناخالص داخلی اندک است از درآمد ملی استفاده می گردد. تخمین ها برای سالهای ۷۵-۱۳۳۸ به شرح زیر خواهد بود:

$$IPR = 19/26 + 0/251GR + 0/8NIF \quad (14)$$

$$(0/41) \quad (3/37) \quad (8/95)$$

$$F = 175/099 \quad DW = 1/6 \quad R^2 = 0/909$$

$$P(F) = 0/0000 \quad \bar{R}^2 = 0/904$$

برای رفع خود همبستگی ناشی از حذف متغیرها داریم:

$$IPR = 17/34 + 0/241GR + 0/8ANIF \quad (15)$$

$$F = 107/37 \quad DW = 1/9 \quad R^2 = 0/907 \quad AR = 0/18$$

$$P(F) = 0/0000 \quad \bar{R}^2 = 0/898$$

همانطور که ملاحظه می شود، توضیح دهی مدل (۱۵) بسیار خوب بوده و در حدود ۹۰٪ از تغییرات سرمایه گذاری بخش خصوصی را پوشش می دهد. با این وجود، نتوانستیم اثرات جانشینی سرمایه گذاری دولتی را تفکیک کرده و نشان دهیم که اثر جانشینی داخلی آن مثبت است ولی در کل، انتظار بر این است که سرمایه گذاریهای زیربنایی اثرات مثبتی بر روند سرمایه گذاری بخش خصوصی داشته و در مقابل، به دلیل اثرات جانشینی خارجی^۶ در تخصیص منابع مالی و فیزیکی جامعه در سرمایه گذاریهای غیر زیربنایی دولتی، اثرات منفی را بر سرمایه گذاری بخش خصوصی شاهد باشیم.

مدل دیگری که در این مقاله برای ایران بررسی می شود، اثرات کسری بودجه دولت و مشکلات ساختاری آن بر سرمایه گذاریهای دولتی و خصوصی می باشد.

مدل که به شکل زیر می باشد، به طور همزمان تخمین زده می شود و گویای این مطلب است که کسری بودجه دولت به طور کلی همواره به دلیل تضییع منابع مالی و فیزیکی جامعه موجب کمبود منابع جهت انجام سرمایه گذاری هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی می شود.

$$IP = a_0 + a_1 IP(-1) + A(L) IG + C(L) Gd \quad (16)$$

$$I_g = b_0 + B(L) I_g + D(L) gD \quad (17)$$

IP عبارت از سرمایه گذاری بخش خصوصی، I_g سرمایه گذاری بخش دولتی، gD کسری بودجه دولت و $A(L)$ ، $B(L)$ ، $C(L)$ ، $D(L)$ معرف وقفه های هر یک است (با توجه به اینکه برخی وقفه ها دارای ضرایب بی معنی هستند در مدل تخمینی نهایی آنها را حذف کرده ایم و نیز توجه شود که مدل به روش 2SLS تخمین زده شده است که وقفه های تعدیلی را شامل می شود).

$$IPR = 125/64 + 0/72 IPR(-1) - 0/2 IPR(-2) + 0/3 IGR - 0/03 GD + 0/11 GD(-1)$$

$$(1/5) \quad (3/7) \quad (-1/2) \quad (2/5) \quad (-0/33) \quad (2/1)$$

$$- 0/19 GD(-2) \quad (18)$$

$$(0/9)$$

$$R^2 = 0/78$$

$$DW = 2/1$$

$$\begin{aligned}
 IGR = & 113/96 + 2/22 IGR(-1) - 2/04 IGR(-2) - 0/4 GGD + 0/26 GGD(-1) \\
 & (0/68) \quad (3/46) \quad (-2/31) \quad (-1/4) \quad (0/99) \\
 & -0/09 GGD(-2) \quad (19) \\
 & (-0/4) \\
 R^2 = & 0/12 \quad DW = 2/5
 \end{aligned}$$

نتایج حاکی از آن است که اثر بلندمدت کسری بودجه بر سرمایه گذاری خصوصی منفی است و در عین حال، اثرات منفی سریع و مخربی را در معادله دوم بر سرمایه گذاری دولتی شاهد هستیم که اینها را می توان همان اثر ازدحام^۷ دانست که موجب انحراف تخصیص منابع محدود در جامعه شده است و در سرمایه گذاریهای جامعه ایجاد اختلال نموده است. بنابراین، باید اثر منفی کسری بودجه را در روند توسعه مدنظر داشته و سعی نمود آن را به حداقل ممکن رساند و یا لاقط بیشتر آن ناشی از هزینه های عمرانی دولت باشد تا بتواند اثر بلندمدت منفی کمتری را بر بخش سرمایه گذاری در کشور بر جای گذارد.

جمع بندی و ملاحظات

با توجه به مباحث قبلی و تخمینهای موجود برای ایران، می توان توصیه های سیاست گذاری را در قبال طرحهای پیشنهادی برای سرمایه گذاری در کشور به شرح ذیل ارایه کرد:

با توجه به اینکه اثرات نهایی سرمایه گذاری بخش خصوصی به رغم حجم محدود آنها در سالهای اخیر از اثر نهایی سرمایه گذاری بخش دولتی بالاتر بوده است لذا توصیه می شود روند خصوص سازی صنایع و سیاستهای تشویقی جهت شرکت سرمایه گذاران بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی، تشدید شود. این کار را می توان با سیاستهای تخفیف مالیات در سالهای اولیه فعالیت صنایع بخش خصوصی با اعلام سنوات مربوط به هر بخش، حمایتهای مالی از طریق افزایش سطح اعتبارات اعطایی به این بخش و در نهایت حمایتهای تجاری (که محدود به چند سال معین بوده و از قبل اعلام شده باشد) در مقابل کالاهای رقیب خارجی انجام داد.

از این نقطه نظر که ثابت شده است سرمایه گذاریهای زیربنایی دولتی منجر به شرکت وسیعتر بخش خصوصی در فعالیتهای اقتصادی می شود لذا باید توجه کرد که در سرمایه گذاریهای دولتی به سرمایه گذاریهای عمرانی توجه بیشتری گردد تا زمینه ساز فعالیتهای گسترده تر آتی بخش خصوصی شود و این امر تنها می تواند از طریق تعیین اولویتهای سرمایه گذاری در زیر بناها و زیر ساختارهای کشور توسط کارشناسان اقتصادی اعلام گردد که خود بایستی با توجه به شرایط داخلی کشور و امکانات موجود و محدود فصلی انجام شود که خود این مسأله می تواند موضوع تحقیق مطالعه دیگری باشد.

همچنین، از آنجا که ملاحظه شد، کسری بودجه، در کل، اثر منفی بر فعالیت سرمایه گذاری کشور دارد، باید حداقل سعی شود در روند توسعه با تنظیم مخارج و درآمدهای دولتی از طریق افزایش مالیاتها و دیگر منابع درآمدی و یا کم کردن هزینههای جاری دولت، این عامل مخرب را تضعیف نموده و یا حداقل سعی نمود که هزینههای عمرانی حجم بیشتری از مخارج دولتی را تشکیل دهد تا مطابق با نتایج قبلی، بهبود زیر ساختارهای کشور در بلندمدت اثرات مثبت جانشینی را به همراه داشته باشد.

به طور کلی می توان گفت که در جامعه ما، توجه به رویکرد مکانیسم بازار نه تنها مضر نمی باشد بلکه مفید نیز خواهد بود و نیز جامعه ما جامعه ای است که الگوی انتظارات عقلایی در آن عمل می کند نه انتظارات تطبیقی، زیرا اثرات وقفه سرمایه گذاریهای دولتی و خصوصی بر همین بخشهای بی معنی است و این امر بیانگر آن است که سرمایه گذاران به طور عقلایی با توجه به شکل گیری و جهت یابی سیاستهای اقتصادی کشور در هر دوره بدون نظر به روندهای خوب و یا بد دورانهای قبل عمل نموده اند و به صورت عقلایی به کسری بودجه و اثرات بلندمدت آن بر سهم اعتبارات باقیمانده در جامعه برای خود توجه کرده و برای برنامه های آتی خود با توجه به همین حجم واقعی منابع تخصیصی، برنامه ریزی می کنند.

بنابراین، در صورت اتخاذ سیاستهای تشویقی پیش گفته و ارایه خدمات زیر بنایی و اصلاح سیاستهای بودجه ای دولت، می توان امیدوار بود که کشور با مشارکت افراد جامعه در شکل گیری فرایندهای اقتصادی خواهد توانست بر مسایل و معضلات اقتصادی خود در جریان توسعه فائق آید و روند رو به رشدی را در پیش گیرد.

منابع

1. Khan & Reinhart, *Private Investment & Economic Growth in Developing Countries*, World Development (1990) , Vol. 18, No.1.
2. Khajaw Sarmad, *Is the Private Sector More prodauctive than the Public sector*, The Pakistan Development Review, (1991) , Vol 30, No.4.
3. ----- *Determines of Private Investment in Pakistan.*
4. S.J. Ernburg, *The Real Effects of Public Investment on Private Investment*, Applied Economies (1993), Vol . 25, No.6.

